

## نقش مذهب در شکل‌گیری ایالات متحده آمریکا

تاریخ دریافت مقاله: مرداد ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: شهریور ۱۳۹۹

سید محمد ساداتی نژاد<sup>۱</sup>، محمد امین حضرتی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> پژوهشگر ارشد، روابط بین الملل، وزارت امور خارجه

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته، معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع)

نویسنده مسئول:

محمدامین حضرتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### چکیده

دین به عنوان یکی از عناصر اجتماعی، تأثیر بسزایی در تحولات اجتماعی و سیاسی جوامع از جمله آمریکا دارد. سوال اصلی مقاله آن است که نقش مذهب در شکل‌گیری ایالات متحده آمریکا چگونه بوده است؟ فرضیه مقاله آن است که ایالات متحده آمریکا در تمام مراحل شکل‌گیری متأثر از مذهب است. در راستای تایید فرضیه مقاله، به بررسی دوره‌های مختلف شکل‌گیری آمریکا شامل دوران‌های کشف و تاسیس آمریکا، مهاجرت پیوریتن‌ها، قلع و قمع سرخ پوستان و بومیان، جدایی از انگلستان و استقلال، جنگ‌های داخلی آمریکا، توسعه طلبی در قاره آمریکا پرداخته می‌شود و در این مسیر از رویکرد توصیفی-تحلیلی به منظور جمع‌آوری داده‌های کتابخانه‌ای استفاده شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که انگیزه کریستوف کلمپ از اکتشاف آمریکا، ملاحظات مذهبی بوده است. مهاجرت پیوریتن‌های اروپایی‌ها به ویژه انگلیسی به قاره آمریکا نیز بر اساس باورهای مذهبی و تاسیس سرزمین موعود و شهر بر روی تپه بوده است. همچنین مشخص می‌شود که قلع و قمع سرخ پوستان و بومی‌ها، استقلال آمریکا از انگلستان و تاسیس ایالات متحده و پس از آن جنگ‌های داخلی و توسعه طلبی در قاره آمریکا نیز همگی متأثر از مذهب و انگیزه‌های مذهبی است که حکایت از جایگاه دین در تاریخچه اولیه ایالات متحده آمریکا دارد.

**کلمات کلیدی:** مذهب، شکل‌گیری ایالات متحده آمریکا، پیوریتن‌ها، سرزمین موعود.

**مقدمه**

در این مقاله، به بررسی نقش مذهب در شکل‌گیری ایالات متحده آمریکا پرداخته می‌شود. سوال اصلی مقاله آن است که نقش مذهب در شکل‌گیری و تاسیس آمریکا چگونه است؟ فرضیه مقاله آن است که مذهب یکی از عوامل اساسی در شکل‌گیری ایالات متحده آمریکا بوده است. از نگاه نویسندگان، گرچه در جهان امروز، ایالات متحده آمریکا به عنوان یک ابر قدرت، در تلاش برای دستیابی به برتری و سلطه است، اما اقدامات این کشور در جهت حصول به این هدف، پایه و اساسی عقیدتی نیز دارد و اینگونه نیست که صرفاً در راستای تأمین منافع اقتصادی و سیاسی آمریکا باشد بلکه بر بنیادهای ایدئولوژیک استوار است. نژاد ساکن در آمریکا، نژادی است که برای خود، قائل به برتری است و به عبارت دیگر، خود را برگزیده می‌پندارد که این پندار از تورات و کابالا<sup>۱</sup> نشأت می‌گیرد (اکتار ۱۳۸۷: ۱۳ و ۱۲). بنابراین، اگر چه نظام سیاسی این کشور از همان ابتدا، جمهوری بود ولی عقاید و اندیشه‌های پروتستانی در اذهان مردم و تصمیم‌گیران ایالات متحده و به طور کلی فرهنگ عمومی این کشور، نفوذ ویژه‌ای داشت و حذف آن از سوی سکولاریسم موجود در ایالات متحده غیر ممکن است (Magee 2017: 1-2).

اندیشمندان بسیاری در طول تاریخ بر نقش دین در تاریخ ایالات متحده تأکید کرده‌اند. به عنوان مثال، می‌توان به توماس پیرز، استاد مذهب دانشگاه کنتاکی اشاره کرد که در یکی از سخنرانی‌های خویش، این موضوع را مطرح می‌کند که امروز ایالات متحده به راستی مذهبی‌ترین کشور پیشرفته در جهان است (شعبان ۱۳۹۰: ۱). ولی بیشتر آثار منتشرشده در این عرصه ناظر به بررسی جایگاه دین در دوره‌های بعدی تاریخ آمریکا است.

**نقش مذهب در کشف و تاسیس آمریکا**

انگیزه و روحیه آرمانی و ایدئولوژیک را از ابتدای تاسیس آمریکا یعنی کشف این قاره توسط کریستف کلمب و ورود مهاجران اروپایی به این منطقه می‌توان به وضوح مشاهده کرد به گونه‌ای که نخستین مهاجران اروپایی به ایالات متحده به دنبال تبدیل آمریکا به مدینه فاضله‌ای بودند که تنها قوانین الهی بر آن حکومت کند (هالال ۱۳۸۶: ۲۸). بر اساس اسناد و شواهد بسیاری، عقاید دینی کریستف کلمب در انجام سفر اکتشافی وی بسیار موثر بوده و با مفهوم جست و جوی صهیون در فرهنگ غربی پیوند می‌خورد (شعبان ۱۳۹۰: ۲). این امر به وضوح در خاطرات و نامه‌های او نمایان است؛ به عنوان مثال، کلمب در نامه‌ای به پادشاه اسپانیا، می‌گوید انگیزه من از این سفر، اشاعه‌ی نور انجیل در سراسر جهان و بسیج و فراخوان مردمان نو آیین به جنگی سرنوشت‌ساز علیه امپراتوری حضرت محمد(ص) بود (شعبان ۱۳۹۰: ۲۳ به نقل از Burner and others 1980).

همچنین، در نامه دیگری خطاب به دربار اسپانیا در تاریخ ۱۵ فوریه ۱۴۹۲، کتاب مقدس را نقشه راه همیشگی خود برای تحقق پیش‌گویی‌های الهی و بازسازی صهیون دانسته و برنامه جهانی خویش را تسخیر جهان، اشاعه دین مسیحیت و بازپس‌گیری سرزمین مقدس (بیت المقدس) بیان می‌کند (شعبان ۱۳۹۰: ۲۹). مطالعات اخیر از دوران زندگی کلمب نیز جنبه‌های اعتقادی او را تأیید می‌کنند؛ به عنوان مثال، ساموئل الیوت ماریسون می‌نویسد این نظر که خداوند او را وسیله‌ای برای اشاعه‌ی نور مسیحیت قرار داده است، بسیار محکم‌تر از نظری است که کلمب را در جست و جوی شهرت و ثروت می‌داند (شعبان ۱۳۹۰: ۲۸ به نقل از Morrison 1942: 28).

کلمب در راستای عقاید دینی خویش، خود را با حضرت داوود(ع) قیاس می‌کرد؛ یعنی همان‌گونه که حضرت داوود(ع) ثروت عظیم پدرش حضرت سلیمان(ع) را برای ساخت معبد (بیت المقدس) استفاده کرد، کلمب هم می‌خواست تا آخرین جنگ صلیبی را برای آزادی‌سازی اورشلیم و بازسازی معبد، تأمین مالی و عملیاتی کند. وی معتقد بود که حضرت مسیح موعود(ع) از آن معبد بر قلمروی پادشاهی حکومت خواهد کرد و از این رو جهان جدید (آمریکا)، جهان عتیق را یعنی همان شهر حضرت داوود را رها و آزاد خواهد نمود. این اعتقادات محکم کلمب، یکی از عوامل شکل‌دهنده فرهنگ آمریکایی یعنی سنت یهودی - مسیحی و جستجوی صهیون است. کلمب معتقد بود که یکی از مأموریت‌های وی در کشف سرزمین جدید، جستجوی قبایل دوازده‌گانه قوم بنی اسرائیل مطابق با مفاهیم انگلوساکسون اسرائیلی است که آن را گامی اساسی در طرح خداوند برای پایان تاریخ و بازگشت مجدد مسیح به شمار می‌آورند. بر اساس این باور،

<sup>۱</sup> کابالا، مکتبی فکری - عرفانی است که از یهودیت ریشه گرفته است و از قرن ۱۲ شروع و در قرن ۱۸ طرفداران زیادی پیدا کرد.

انگلساکسون ها نوادگان قبائل اسرائیلی مفقود شده هستند و از آن جا که قوم برگزیده خداوند هستند، در روز بازگشت مسیح، شاهد بر همه ملت ها بوده و همراه با ایشان به مدت هزار سال بر جهان حکومت خواهند کرد و پایان تاریخ را نیز با بازگشت یهودیان به اسرائیل حتمی می دانند (هلال ۱۳۸۶: ۲۷۱-۲۷۴).

نامه کلمب خطاب به شاهزاده جان اسپانیا که در آن، بر اهمیت کشف سرزمین جدید و سرنوشت ساز بودن تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۴۹۲ (روز کشف قاره آمریکا) تاکید می کند، در خور توجه است. او در این رابطه می نویسد: «خداوند من را پیام آور آسمان و زمین جدیدی قرار داده است که ذات تعالی در کتاب مکاشفه ی یوحنا بعد از وحی به زبان اشعای نبی درباره ی آن سخن می گوید. پروردگار به من نقطه ای را نشان داد که آن را بیابم» همان، هلال به نقل از دلنو سی. وست، ۱۹۸۹: ۳۰۳).

بعضی شواهد بیانگر آن است که کریستف کلمب یک یهودی بوده است. در این باره، دیوید م. ایچورن<sup>۲</sup>، نویسنده یهودی می گوید نام حقیقی او نه کلمبوس<sup>۳</sup> بلکه جان کولن<sup>۴</sup> و در حقیقت از یهودیان اسپانیایی تبار (البته از یهودیان پنهانکار و تغییر دین داده) بوده است. همچنین بخش هایی از مقاله «آیا کریستف کلمب حقیقتاً یک یهودی بود؟»<sup>۵</sup> به قلم دالیا سایه<sup>۶</sup> که در روزنامه «شالوم»، ارگان یهودیان ترکیه، منتشر شده، به این نکته اشاره می کند که در کلیه نامه های ارسالی کریستف کلمب به خانواده خویش، مونوگرامی وجود دارد که هر یهودی آن را در بالای تمام نوشته های خود می نوشت. این دو حرف عبارت بودند از دو کلمه Beth و ha که امروزه معلوم شده که بر عبارت ezrat ha cham Be و یا Baruch chem (یعنی مقدس است خداوند یهود) دلالت دارد (Salom 1988، اکتبر ۱۳۸۷: ۲۰).

بنابراین، با توجه به این که کلمب، یهودی دین دار و حافظ کتاب مقدس و در پی بنای مجدد معبد سلیمان بوده است، عقاید مذهبی بیشترین جذبه و کشش را برای وی در کشف سرزمین جدید داشته است. دیوید م. ایچورن در این رابطه می نویسد کلمب برای کشف دنیای جدید می رفت. در حقیقت او از وجود چنین دنیایی با اتکا به مطالعات و کشف های وایکینگها خبر داشت. انگیزه اصلی او در این راه، جستجوی جایی برای هم کیشان یهودی خود بود (همان، اکتبر، 296 M.Eichhorn). بنابراین، دو هدف عمده کلمب از کشف سرزمینی جدید شامل موارد ذیل می باشد: ۱- یافتن سرزمینی خوب و مناسب برای یهودیان ۲- به دست آوردن منابع ثروت های جدید و دستیابی به قدرت لازم جهت تجدید بنای معبد سلیمان، به عنوان نشانه آمدن مسیح بر روی زمین. بنابراین، از نگاه این عده، با بررسی حامیان کلمب در انجام این سفر، روشن می شود که این سفر، یک اقدام برنامه ریزی شده و مورد حمایت جدی یهودیان بود و در راستای اهداف به اصطلاح مقدس آن ها انجام می شد (اکتبر ۱۳۸۷: ۲۵-۲۷).

باید توجه داشت که سفر کلمب نمی توانست ناشی از یک تصمیم یک روزه و ناگهانی او و حامیانش باشد چرا که در آن زمان انجام چنین سفری با عبور از دریاها و اقیانوس های خطرناک و حرکت به سمت مسافت های دور، کاری بسیار بزرگ و خطیر به شمار می آمد. صدور مجوز چنین اقدامی از سوی ملکه اسپانیا و پذیرش هزینه های مالی گزاف آن از سوی حکومت، از نگاه برخی؛ نتیجه تلاش های بی وقفه لابی یهودیانی بود که توانستند رضایت شاه و ملکه را برای حمایت از کلمب جلب کند. هر سه حامی بزرگ کلمب یعنی لوییس د.سانتا گنل<sup>۷</sup>، گابریل سانچز<sup>۸</sup> و ایزاک آبرابانل<sup>۹</sup> از یهودیان به ظاهر مسیحی شده بودند. این حامیان توانستند پشتیبانی مالی و تجهیزات جنگی را برای این موضوع فراهم کنند و انگیزه تمامی آن ها مذهبی بود. این افراد اعتقاد داشتند با انجام چنین کاری و ظهور مسیح، همه آن ها به سرزمین موعود باز خواهند گشت و ملت های دیگر بنا به فرمان مسیح، تحت حاکمیت اسرائیل قرار خواهند گرفت (شهبازی ۱۳۷۷: ۴۳).

با بررسی فوق مشخص شد که انگیزه کریستوف کلمب، کاشف قاره آمریکا تا چه اندازه مذهبی بوده است. اگر نگاه حداقلی در قبال این موضوع اتخاذ کنیم، میتوان با توجه به مستندات ارائه شده در این بخش از مقاله، گفت یکی از انگیزه های کریستوف کلمب از کشف قاره آمریکا، انگیزه مذهبی بوده است.

<sup>2</sup> David M.Eichhorn

<sup>3</sup> Columbus

<sup>4</sup> Jancolon

<sup>5</sup> Kristof Kolob gercekten bir yahudi midi ?

<sup>6</sup> Dalia sayah

<sup>7</sup> Luis de Santagnel

<sup>8</sup> Gabriel Sanchez

<sup>9</sup> Isaac Abrabanel

## نقش مذهب در مهاجرت مهاجران اروپایی و استقرار در آمریکا

یکی از انگیزه های اصلی مهاجران از ترک سرزمین مادری ( انگلستان، هلند و ... ) و تحمل مشقت های بسیار در طی ۳۰۰۰ کیلومتر، انگیزه های مذهبی با هدف کسب آزادی مذهبی بود. در این راستا، کسانی که بیش از همه به دنبال این مهاجرت بودند، پیوریتن ها بودند. پیوریتن ها<sup>۱۱</sup> گروه اصلی مهاجران به قاره آمریکا بودند و خواستار عبادت خداوند به شکل مورد نظر و مطلوب خویش بوده و قائل به آزادی مذهبی بودند و در انگلستان به عنوان اقلیت و تحت آزار و اذیت قرار می گرفتند. در فاصله سال های ۱۶۳۰ تا ۱۶۴۰، بیش از بیست هزار نفر از پیروان این عقیده مذهبی به دلیل وجود شرایط مساعد مذهبی در کلنی « ماساچوست » سکنا گزیدند که این امر در ترکیب جمعیتی این ایالت در حال حاضر نیز قابل مشاهده است. نگاه مذهبی پیوریتن ها در مهاجرت به آمریکا امری روشن است. آنها به شدت تحت تاثیر یهودیت و کتاب مقدس عبری ( تورات ) هستند و از آموزه های این کتاب در ایجاد سرزمین جدید خویش بهره گرفته و به عنوان مثال، " ایجاد شهری بر روی تپه " <sup>۱۱</sup> و ایجاد زمینه ای برای ظهور حضرت مسیح به عنوان نجات دهنده تاریخ در آخر الزمان از جمله دلایل آن ها برای کشف سرزمین جدید (توسط کلمب) و سپس مهاجرت به این منطقه بود (هلال ۱۳۸۶: ۲۰ و ۲۱).

بر همین اساس، قوانین اولیه موجود در جامعه آمریکایی نیز همگی بر اساس ارزش های پیوریتن تنظیم شده اند؛ مانند این که زندگی مجردی در تمامی مستعمره نشینان ممنوع بوده و یا این که هدف اصلی قانون گذاران این کشور ایجاد نظام آموزشی و تاسیس مدارس و دانشگاه ها، تعلیم کتاب مقدس عنوان می شد؛ دانشگاه هاروارد نمونه خوبی در این رابطه است که در سال ۱۶۳۶ و به منظور آموزش علوم دینی تاسیس شد (New England Colonies).

این شور و یکپارچگی مذهبی تا سال ۱۷۰۲ ادامه داشت تا این که با اعتراضات افرادی همچون راجر ویلیامز در مورد لزوم جدایی دین از سیاست، تضعیف شده و به عنوان مثال، رهبران این کشور احکام حمایت مذهبی را از قانون اساسی آمریکا حذف کردند ولی همچنان در سبک زندگی آمریکایی و مراکز تصمیم گیری این کشور نمود گسترده ای دارد (Religion in the Original colonies, 2009).

پیوریتن ها به عنوان شاخه ای از پروتستانسیسم مسیحی در سال ۱۶۲۰ و قبل از آن که کرامول قدرت را در دست بگیرد، به دلیل فشارهای داخلی در انگلستان، بخش عمده ای از آنها به منطقه « ماساچوست » در شمال آمریکا رفته و در آن جا اجتماع (کلونی) بزرگی را پایه گذاری کردند. آنها که حمایت بی شائبه از یهود را به عنوان یک رسالت بر عهده داشته اند و قصد داشتند یک صهیون جدید در سرزمین پهناور آمریکا به وجود بیاورند، مجادلات خود در نیوانگلند را همانند مجادله های یهودیان که در تورات نقل شده، می پنداشتند و به همین علت بود که عنوان کنعان انگلیس را بر کلونی خود در ماساچوست گذاشتند. لذا آمریکا برای آنها به عنوان مدل زمینه ساز پادشاهی صهیون به حساب می آمد که بنابر روایت تورات قرار بود همراه با آمدن مسیح، به دست یهودیان ایجاد شود. پیوریتن ها با یهودی انگاری خود و مشابه انگاری آمریکا با سرزمین مقدس و به کار بستن راهکارهای مندرج در تورات دست به بازسازی آمریکا زدند (اکتار ۱۳۸۷: ۳۷-۳۹).

بنابر این، اساس آمریکای امروز را پیوریتن هایی بنا نهادند که دارای ظاهر مذهبی و روحیه سرمایه داری بودند و سرمایه دارها را آیات و نشانه های برکت خدا در نظر می پنداشتند. البته بعداً یهودیان که از حمایت پیوریتن ها نیز برخوردار بودند؛ ماسونی گری را نیز به آمریکا منتقل کردند (هلال ۱۳۸۶: ۴۴-۴۵).

روابط میان بنیانگذاران آمریکا و یهودیان بسیار چشمگیر و صمیمانه بوده است به گونه ای که یهودیان بسیاری در جنگ استقلال آمریکا، جورج واشینگتن را همراهی کردند و با توجه به این که آمریکا را « ارض موعود » خود می خواندند، از استقلال آن حمایت های مالی قابل توجهی را به عمل آوردند. نمونه این موضوع را میتوان در شخصی به نام حیم سولومون به عنوان بزرگ ترین بانکدار آمریکا مشاهده کرد که در واقع یک ماسون بزرگ هم بود. بدین ترتیب به نحوی نگاه مذهبی و ماسونی در مدیریت و رهبری آمریکا با هم آمیخته شد. در سال ۱۷۸۱، هنگامی که واشینگتن از نیو پورت<sup>۱۲</sup> بازدید می کرد، یهودیان در لژ شاه داوود، مطابق با آئین ماسونی از وی استقبال شایانی به عمل آوردند و میتوان

<sup>۱۰</sup> پیوریتن ها یا پارسایان گروهی از پروتستان های اصلاح شده انگلیسی در سده های شانزدهم و هفدهم میلادی بودند که معتقد به لزوم پالایش کلیسای انگلستان از هر گونه رسم کاتولیک رومی بودند.

<sup>۱۱</sup> A city upon a hill

<sup>۱۲</sup> New por

گفت اولین جمهوری ماسونی و کابالایی با همکاری یهودیان و ماسون ها بر شالوده هایی از فرهنگ پیوریتنی که طبیعی ترین دستاورد آن به شمار می آمد، بنا نهاده شد (اکتار ۱۳۸۷: ۵۱-۵۲).

### قلع و قمع سرخ بوستان و بومیان آمریکا با انگیزه مذهبی

کشتار بومیان منطقه آمریکا ابتدا توسط کریستوف کلمب استارت زده شد. او بومیان آمریکا را حیوان نامیده بود و شعار یک بومی خوب، یک بومی مرده است را اولین بار او مطرح کرد (اکتار ۱۳۸۷: ۳۱). د.لا. کازاس پیرامون نژاد پرستی و رفتار غیر انسانی کلمب در قبال بومیان آمریکا می نویسد کلمب به سربازانش دستور می داد پاهای کودکانی که فرار می کردند را قطع کنند. نوشته ارنست ماندل<sup>۱۳</sup> نیز موید مطلب فوق است. او می گوید وحشی گری هولناک فاتحان اسپانیایی در آمریکا را همه می دانند. آن ها در یک فاصله زمانی ۵۰ ساله، پانزده میلیون سرخ پوست را نابود کردند و این رقم بنا به عقیده مورخین محافظه کار، بالغ بر ۱۲ میلیون نفر می شود. مناطقی مانند هائیتی، کوبا، نیکاراگوئه و ونزوئلا که تراکم جمعیت زیادی داشت، کاملاً از جمعیت خالی شد (شهبازی ۱۳۷۷: ۲۲۰).

در همان زمان، کلیسای کاتولیک، حیوان انگاری بومیان آمریکا از سوی کلمب را به شدت تقبیح کرده و به مخالفت با او برخاست. منتهی کلمب که به اعتقاد برخی از کارشناسان، به دنبال تحقق بخشیدن به اهداف قوم یهود در مسیر کشف آمریکا قدم گذاشته بود، آموزه نژاد پرستان یهودی ( برتری قومی ) را درباره بومیان آمریکا و کشتار گسترده آن ها اجراء کرد (هلال ۱۳۸۶: ۶۱-۶۳).

تهاجمات گسترده علیه بومیان منجر به از میان رفتن ۴۰۰ قبیله سرخ پوست شد. جیمز پادشاه وقت انگلستان هنگام بدرقه نخستین کاروان مهاجران استعمارگر از بندر ساوت هامپتون انگلیس به سوی آمریکا، در مطلب کنایه آمیزی که حکایت از عمدی بودن شیوع وبا در بین سرخ بوستان داشت گفت خداوند را باید به خاطر نازل کردن وبای شگفت انگیزی شکر کرد که سرخ بوستان درنده صفت را از پیشروی مهاجران برداشت. جان وینتروپ نخستین فرمانده مستعمره ماساچوست نیز در تاریخ ۲۲ ماه مه سال ۱۶۳۴ در پیامی به ناتنیال ریش، یکی از مقامات انگلیسی که باز عمدی بودن کشتارها را نشان می داد، گفته بود فراموش نشود که ساکنان اصلی و بومی این سرزمین همگی دچار آبله شده و از بین رفته اند. خداوند را سپاس می گویم که سند مالکیت این سرزمین را به ما ارزانی داشت. علاوه بر آن، استعمارگران معتقد بودند که رضایت خداوند در گرو انتقال بیماری های مختلف میان سرخ بوستان است. ویلیام براد فورد، زمامدار مستعمره پلیموث در این باره می گوید آنچه خدا را راضی و شاد می کند، انتقال انواع بیماری های مرگبار به سرخ بوستان است. هوارد سیمپسون نیز در مقدمه کتاب خود درباره نقش انواع وباها و بیماری های مرگبار در تاریخ آمریکا می نویسد انگلیسی های استعمارگر نه به دلایل نبوغ و هوش نظامی، بلکه با نگرش های مذهبی و آرزوهای دیرینه و گرایش های وحشیانه توانستند قاره آمریکا را اشغال کنند. آنها با استفاده از جنگ میکروبی که تاریخ بشر نظیر آن را ندیده، توانستند این سرزمین را تسخیر کنند (آقازاده ۱۳۸۹: ۱-۲).

جهت گیری و عقاید فکری استعمارگران موجب شد تا سرخ بوستان آمریکایی با بیماری های همه گیر همچون آنفلوآنزا، نابودی فرهنگ و از دست رفتن خاک روبرو شوند. مهاجران جدید ورود با این باور که دارای تمدن برتر بوده و وظیفه آنها، متقرب و مومن ساختن بومیان است و از آن جا که سنت های غیر قابل تبدیل بومیان در تضاد با اراده الهی مبنی بر استفاده از این سرزمین جهت ایجاد تمدن است، به پاکسازی قومی آن ها اقدام کردن (Weinberg 1963: 77) تاریخ نویسان آمریکایی در این رابطه و با هدف تحریف تاریخ گذشته این کشور به این نکته اشاره می کنند که پیش از پای گذاشتن کلمب به آمریکا در این سرزمین انسانی نمی زیسته و این سرزمین از خدایی که "اولیور کروویل" به او شناسنامه انگلیسی داده، هدیه گردیده تا انسان های برگزیده خود را در آن اسکان دهد و این برگزیدگان، این سرزمین را آباد و افسردگی و تنهایی را از آن برطرف کنند و به آن حیات ببخشند. همچنین در کتب درسی دانش آموزان آمریکایی بر این نکته تاکید شده است که بیشتر سرخ بوستان به علت شیوع بیماری های واگیر که اروپایی ها ناخودآگاه همراه خود به سرزمین دنیای نو آوردند، از بین رفتند و مرگ آن ها در حقیقت غیر عمد و جلوگیری از بروز آن امکان پذیر نبوده است (العکش ۱۳۸۶: ۴۲). اوج کشتار و جنایات نسبت به سرخ بوستان نیز در زمان ریاست جمهوری اندرو جکسون<sup>۱۴</sup>، هفتمین رئیس جمهوری ایالات متحده بوده است (العکش ۱۳۸۶: فصل ۲).

<sup>13</sup> Ernest Mandel

<sup>14</sup> Andrew Jackson

در واقع، این پیوریتن ها بودند که با کنعان انگاری آمریکا، موجبات کشته شدن سرخپوستان بومی، به عنوان مردم ساکن کنعان که در سرزمین های موعود زندگی می کردند را فراهم کردند و این امر موجب خوف و وحشت در سرتاسر آمریکا شد چرا که بر مبنای عهد عتیق و دیگر باورهای یهودی، مردم کنعان، غاصبان سرزمین موعود بودند و نابودی آن ها اقدامی لازم و ضروری بود. لذا پیوریتن ها بر اساس آموزه های یهودی و سرزمین موعود پنداشتن آمریکا دست به کشتار و قتل عام فجیع به اصطلاح غاصبان آن یعنی سرخ پوستان تحت نظارت مستقیم رهبران دینی و به منظور عمل به دستورات عهد عتیق زدند (اکتار ۱۳۸۷: ۴۰). آن ها خود را به یهودیان بنی اسرائیل تشبیه می کردند که از ظلم فرعون (جیمز اول پادشاه انگلیس) از سرزمین انگلیس (مصر) فرار کرده اند و به دنبال سرزمین موعود جدیدی می گردند و اعتقاد داشتند که داستان حضرت موسی بار دیگر تکرار و آینده ملت برگزیده جدید در سرزمین موعود جدید رقم خواهد خورد (هلال ۱۳۸۶: ۳۵).

### نقش مذهب در تاسیس ایالات متحده آمریکا

پیوریتن ها، نزدیکی و قرابت زیادی با یهودیان داشتند و بر همین اساس، با آمدن پیوریتن ها به آمریکا، زمینه برای رشد یهودیان و پیاده کردن احکام تورات نیز فراهم شد. جان ویسک، مورخ مشهور در این باره می نویسد هر تاریخی که در آمریکا ساخته می شود، تاریخی آمریکایی-یهودی است. میزان پیوند پیوریتن ها با آئین یهود به حدی بود که آنها پیش از مهاجرت به آمریکا، از دولت انگلستان خواستند که تورات را به عنوان قانون اساسی کشور اعلام کند. برخی از آن ها به زبان عبری نماز می خواندند، کتاب مقدس را به عبری تلاوت می کردند و حتی نام فرزندان خود را از نام های موجود در داستان های تورات اتخاذ می کردند (هلال ۱۳۸۶: ۳۵-۳۶).

نخستین اقدام استعمارگران پس از مهاجرت به سرزمین جدید، ترویج آموزه های پیوریتنی و یهودی بود. لذا آموزه های دین یهود، بخشی از روح آمریکا را شکل داد و ساکنان جدید این سرزمین هم این مرام را پذیرفته و این گونه بود که آرزوی کلمب نیز تحقق پیدا می کرد. این مسئله از این بابت مهم است که نشان دهنده تأثیر یهود و انگیزه های مذهبی یهودیان را در تاسیس ایالات متحده آمریکا نشان می دهد.

دائرة المعارف یهود ذیل عنوان ایالات متحده می نویسد که یکی از مهم ترین منابعی که بنیانگذاران آمریکا برای تشکیل نظام جمهوری از آن تأثیر پذیرفتند، کتاب مقدس عبرانی بود به گونه ای که بیش از پنجاه درصد از ۷۹ ماده قانونی «تنظیمات جدید قانونی» که در سال ۱۶۵۵ انتشار یافت، نشأت گرفته از کتاب مقدس عبرانی (تورات) می باشد (اکتار ۱۳۸۷: ۵۴ و ۵۵).

بنابراین، مسیحیتی که همراه با مهاجران اولیه به آمریکا انتقال یافت، مسیحیت پیوریتنی یا به عبارتی مسیحیت یهودی بود و همین عقیده بود که موجب گسترش باور الزام بازگشت یهود به فلسطین و تخریب بیت المقدس با هدف ظهور مجدد حضرت عیسی (ع) در میان پیوریتن های مهاجر در آغاز قرن هیجدهم شد (هلال ۱۳۸۶: ۳۷).

پروتستان های انگلیسی به نوعی در تاسیس آمریکا، نگاه های نژاد گرایانه خود را نیز وارد کردند. نژاد گرایی نوظهوری که در سرزمین جدید به منصفه ظهور رسیده بود، از نوع انگلو-ساکسون (انگلیسی و آمریکایی) بود و مطابق با آن، انگلیسی زبانان از دیگر ملت ها برتر بوده و همین نگاه، باعث تاسیس و تداوم فرهنگ امپریالیستی از سوی آمریکا شد. در سال ۱۶۲۸، جان وین تروپ، نخستین فرماندار مستعمره خلیج ماساچوست، بر روی عرشه کشتی آرابلا به مسافران اعلام کرد که خدای متعال آنان را به انگلستان جدید فرستاده، تا شهری را به عنوان الگوی نوع بشر بنا کنند و شهروندان آن در سایه کتاب مقدس به زندگی خود ادامه دهند (لفورکی ۱۳۸۶: ۱). چنین روحیه و عقیده مذهبی در میان رهبران انقلاب و سران پیوریتن نیز وجود داشته است به گونه ای که هادسون، اندیشمند برجسته آمریکایی در این رابطه می نویسد آمریکایی های نخستین تصور می کردند که خداوند این ملت را انتخاب کرده تا دانه ی منتخب او را در برهوت آمریکا بکارند. اما اهداف خداوند متعال بسیار گسترده تر از صرف فراری دادن آن ها از موانعی بود که در موطن خود با آن دست به گریبان بودند. آن ها هیچ مفری از اذیت و آزار نداشتند. آن ها در همه جا و از هر جناح بر نیروهای شیطانی یورش می بردند. تکلیفی که جان وینتروپ به آن ها یادآوری می کرد، ایجاد شهری بر روی تپه بود تا در مقابل دیدگان جهانیان به نمایش بگذارند و پیامد آن زمانی آشکار می شد که کل مردمان جهان وارد پیمانی پایان ناپذیر با خداوند می شدند. آن ها در راستای بخشی از برنامه ی تعالیم خداوندی قرار شد تا الگویی کارآمد از یک جامعه ی خدایی برای دیگر ملت ها باشند و با اشاعه ی سرمشق خود، ابزاری خدایی در آزادسازی تمام بشر از قید بردگی به حساب آیند (Winthrop 2003: 20).

این امر حاکی از تاثیرات پروتستانیسم و ترکیب آن با یهود در قالب پیوریتنیسم و فرهنگ انگلو-ساکسونی ناشی از آن در تاسیس و ساخت آمریکا بود. در همین راستا، آمریکایی ها در جریان انقلاب، به نظام آرمانی فوق الذکر خویش اعتقاد بیش تری پیدا کردند؛ کشور الگویی که شهروندان آن از آزادی و مردم سالاری تمام عیار بهره می بردند و وظیفه داشتند تا مزیت تجربه ی خود را به دیگر نقاط جهان نیز اشاعه دهند. زمانی که رهبر انقلاب و اولین رئیس جمهور ایالات متحده یعنی جرج واشینگتن خطاب به مردم آمریکا کناره گیری خود از زندگی سیاسی را اعلام کرد، بر اهمیت حفاظت از آزادی، اجتناب از فساد دنیای قدیم و اشاعه ی این الگو به دیگر نقاط جهان تأکید نمود. این خود انگاره ی آرمان گرایانه که از همان ابتدا در تاریخ آمریکا نمایان شد، اغلب با تفکرات مرتبط با کتب مقدس در هم می پیچید که افسانه ی اسرائیل آمریکایی و الگوی مذهبی از جامعه ای پرهیزکار را در اختیار می گذاشت. اینگریز میدر (۱۷۲۳-۱۶۳۹) در سال ۱۶۷۷ می نویسد که در تاریخ بشریت هیچ نسلی مانند مهاجران به دنیای جدید نبوده که به این شکل بتواند گرد و غبار پوشیده بر مجلد کتب مقدس را کنار زند (شعبان ۱۳۹۰: ۱۸). البته این مثلث پیوریتانیسم، اقتصاد لیبرالیستی و فراماسونری که در تاسیس آمریکا نقش داشت، بعداً پوسته دینی مهاجران اولیه به ایالات متحده را حفظ ولی اقدامات خود را در راستای تأمین منافع سرمایه داران حاکم بر نظام سیاسی این کشور تنظیم نمود (زرشناس ۱۳۸۱: ۳۶-۳۷).

در این راستا، لازم است به جنگ استقلال در آمریکا و روند جدا شدن این کشور از بریتانیا نیز پرداخته شود و اینکه آیا در این مرحله نیز انگیزه های مذهبی تا چه اندازه دخالت داشت. رهبران سیاسی آمریکا بر این باور بودند که جنگ استقلال، نبردی میان نیروهای خیر و شر، بهشت در برابر دوزخ، حقیقت در مقابل دروغ و مظلوم در برابر ظالم است و انگلستان را در این نبرد با ضد مسیح (دجال) یکسان می دانستند در حالی که آمریکایی ها، لشکر قدیسان و رستگاران توصیف می شدند (Judis 2005:4). این مسئله به خوبی انگیزه های مذهبی را در جنگ های استقلال آمریکا نشان می دهد. به همین دلیل نیز بود که اندکی پس از استقلال این کشور، ساموئل شروود در سخنرانی مهمی با عنوان فرار مسیحیت به سوی برهوت، ماموریت مقدس تشکیل آمریکا را چنین توصیف می کند که زمانی که خداوند زمین و آسمان، با مشیت در خور و همه جانبه، دین خود را بر روی بال عقاب ها به میان بیابان آورد، این سرزمین شایسته را به او اعطا نمود تا برای همیشه میراث و زمین آن باشد. خداوند این دین را هم چون درختی دلپذیر و برگزیده در این سرزمین کاشت و کفار را از میدان به در کرد. خداوند با مهربانی، آن درخت را پرورش داد و در آن روزگار که کوچک بود، آن را مراقبت نمود و در برابر خطرات بی شمار از آن مراقبت کرد... باری تعالی این بخش آمریکایی از جهان را برای زن و ذریه ی او تدارک دید... او آن ها را با شکوه تمام رها نمود و آن ها را از زیر چوب ظالمان و ستمگران آزاد کرد... و به سرزمین پاک کنعان هدایت نمود؛ سرزمینی که در ازای میراثی جاودانه به آن ها اعطا نمود (Winthrop 2003 به نقل از شروود، فرار کلیسا، صفحه ۴۶).

از هنگام ورود نخستین مهاجران انگلیسی به ماساچوست<sup>۱۵</sup> در سال ۱۶۲۰ و در طی تحولات تاریخی بعدی آمریکا، استعمارگران جدید الورد بر عقیده «قوم برگزیده» تأکید زیادی داشته و خود را ملتی خاص و فوق العاده می پنداشتند چنان که جان وینتروپ<sup>۱۶</sup>، نخستین فرماندار ماساچوست در این باره می گوید خداوند اسرائیل هنگامی که ما در حال مقاومت در برابر دشمنان هستیم، در میان ما است... دیدگان تمام مردم به سوی این سرزمین است (Dobson 2013: 42). و یا در نطق دیگری به این موضوع اشاره می کند که شما (مهاجران) به سرزمینی آمده اید که پروردگار برای پدرانتان ابراهیم و اسحاق و یعقوب سوگند یاد کرد که آن را به آنان عطا کند (هلال ۱۳۸۶: ۸۴).

در نگاه اول و با جستجو میان مقالات و کتب منتشره شده در غرب پیرامون دلایل وقوع انقلاب در آمریکا، علل اصلی این اتفاق عبارت بودند از وضع مالیات های سنگین از سوی پارلمان بریتانیا و روابط نابرابر سیاسی و اقتصادی میان مستعمره نشینان با بریتانیا. در عین حال، با نگاهی دقیق تر می توان دریافت که انقلاب آمریکا یا همان جنگ های استقلال به رهبری سرمایه داران فراماسونر- لیبرال آمریکایی، مورد حمایت آئین پیوریتن بود (Yahya 2003: 8-9).

جنگ داخلی ایالات متحده، در فاصله سال های ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ ما بین ایالت های شمالی به رهبری آبراهام لینکلن از حزب جمهوری خواه و یازده ایالت جنوبی تحت فرمانروایی جفرسون دیویس، رئیس جمهور کنفدراسیون کشورهای آمریکا پیرامون موضوع استمرار یا لغو برده داری و پس از خروج ۱۱ ایالت جنوبی از ایالات متحده به وقوع پیوست. پیشرفت صنعتی شمال و وجود کارگران متخصص و در مقابل اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و برده داری جنوب موجب ایجاد شکافی

<sup>15</sup> Massachusetts<sup>16</sup> John Winthrop

گسترده در رابطه با لغو برده داری گردید ( البته می بایست به این نکته توجه کرد که علت مخالفت رهبران شمالی با برده داری، روحیه انسان دوستی آن ها نبود بلکه از گسترش این امر در میان سرزمین های خویش هراسان بودند). فرمانداران ۱۱ ایالت خارج شده از آمریکا علت اتخاذ این تصمیم را چنین بیان کردند که دین و اخلاق دلیل اصلی جدا شدن از اتحادیه بود (Turner 2017: 1-2).

جنگ انفصال در حقیقت جنگی خانمان برانداز بود که خطر تجزیه این کشور را به دنبال داشت. باورهای مذهبی در پیشبرد این جنگ موثر بود و نوشته ها و سخنان فرماندهان در طی جنگ انفصال حاکی از این موضوع است. چنان که جان براون<sup>۱۷</sup>، یکی از فرماندهان نیروهای شمالی به این امر اشاره می کند که جنوبی ها می بایست همانند یهودیان پیشین با دستان خداوند از بین بروند. در مقابل، رهبران جنوب نیز از این امر بی بهره نبوده و به عنوان مثال، رابرت ای.لی<sup>۱۸</sup> خطاب به سربازان جنوبی می نویسد شما سربازان مسیح هستید؛ بنابراین، خداوند حامی و پشتیبان تلاش های شما است. بنابراین، پر واضح است که بخش مهمی از انگیزه نیروهای دو طرف ناشی از باورهای مذهبی بوده و آن ها صرفاً جهت به دست آوردن منافع سیاسی یا اجتماعی خاص نمی جنگیدند.

بسیاری از تحلیلگران بر این باور هستند که یکی از دلایل پیروزی ارتش شمال در جنگ انفصال، تقویت روحیه دینی سربازان به روش های مختلف بوده است چرا که حمایت شمالی ها از انتشار کتاب مقدس و حضور مبلغان مذهبی به لحاظ مادی و معنوی بسیار چشمگیر بود. در این رابطه، یکی از کشیش های حاضر در اردوگاه های جنگی می نویسد نیروهای نظامی هر شب در جلسات دعا شرکت کرده و به مواعظ روحانیون گوش می دادند. میزان باور دینی آن ها به حدی رسیده بود که در صورت وجود رودخانه ای در اطراف اردوگاه، با وجود سرمای شدید هوا، اقدام به غسل تعمید می کردند (Guelzo 2015: 2). یکی از روحانیون آمریکایی در این باره می نویسد خداوند از این جنگ برای مجازات ملت آمریکا به خاطر گناه برده داری استفاده می کند. همچنین پیرامون استمرار جنگ میان شمال و جنوب، این نکته در میان نیروهای شمالی متداول بود که خداوند تا زمانی که بردگی آفریقایی از این کشور خارج نشود، اجازه خونریزی را می دهد. در حقیقت و به دنبال همین باورهای ایدئولوژیک بود که شمالی ها معتقد بودند پیروزی ما و لغو برده داری، کار خداوند است (Rable 2011: 3-4).

### نقش مذهب در دوره مانیفست و توسعه طلبی در قاره آمریکا

در دوره توسعه طلبی در قاره آمریکا که به دوران سرنوشت معروف است نیز نقش مذهب به خوبی قابل شناسایی است. در واقع تاثیر یهودی گری نشأت گرفته از تورات بر روح آمریکا در لباس امپریالیسم ظهور کرد. اصل « اداره جهان تنها حق ملت های برگزیده است »، منطقی امپریالیستی دارد که برگرفته از آموزه های تورات و محصول نگرش پیوریتنها است که آن را در روح هیات حاکم بر آمریکا به جا گذاشته اند. این موضوع در بیانیه سرنوشت<sup>۱۹</sup> قابل مشاهده است. در این بیانیه، از برگزیده شدن مردم آمریکا توسط خداوند و به بیان بهتر مسئله داشتن حق توسعه و گسترش نظامی، فرهنگی و اقتصادی آمریکا سخن به میان آمده و در واقع تفسیر جدیدی از آموزه جعلی « قوم برگزیده » مندرج در تورات بود (Magee 2017: 3-6).

دائرة المعارف بریتانیکا درباره تاثیرات فرهنگ پیوریتنی بر بیانیه سرنوشت می نویسد بیانیه سرنوشت در حقیقت یک باور سنتی در تاریخ آمریکا است که آمریکایی ها را « مردمی برگزیده » و شایسته احترام می داند. آمریکایی ها در این بیانیه ملتی معرفی شده اند که رسالتشان، متمدن کردن ملت های وحشی است. این گونه بود که اندیشه و اعتقاد پیوریتنی که آمریکای شمالی را سرزمین موعود و سرخ پوستان را به مثابه قوم کنعان ( و لزوم کشتار آن ها ) تلقی می نمود، به کل منطقه و قاره سرایت داده شد. امپریالیست های آمریکایی تمنیات توسعه طلبانه خود را مشتاقانه در قالب فرهنگ پیوریتنها گنجانده تا آموزه ای یهودی که استعمار دیگران را حق طبیعی خود می دانست، شالوده و اساس آمریکا را تشکیل دهد. این امر بعدها به دستاویزی جهت توسعه طلبی ایالات متحده تبدیل شد. سناتور آلبرت جی. بوراید<sup>۲۰</sup> در رابطه با توسعه طلبی آمریکا بر اساس « تئوری قوم برگزیده » چنین می گوید از میان برداشتن تمدن های پست و ملت های پوسیده به دست تمدن های مستحکم، بخشی از طرح نامحدود خداوند است. همچنین او در سخنرانی دیگری،

<sup>17</sup> John Brown

<sup>18</sup> Rober E.Lee

<sup>19</sup> Manifest Destiny

<sup>20</sup> Albert J.Beveridge



به این امر اشاره می کند که جمهوری آمریکا همان جمهوری است که توسط برترین نژاد تاریخی پایه گذاری شده است و حکومت مورد عنایت خداوند است ... رهبران این دولت را نه تنها حاکمان « دولت خرد » بلکه پیامبران خدا باید دانست (اکتار ۱۳۸۷: ۷۰ و ۷۱). تمامی موارد فوق نشان دهنده باور رهبران ایالات متحده به « سرزمین خداوند » بودن آمریکا و رسالت صلیبی جهانی آن ها جهت آماده سازی جهان برای بازگشت مسیح می باشد (هلال ۱۳۸۶: ۳۵۳).

مانیفست<sup>۲۱</sup> از عوامل اصلی توسعه ایالات متحده آمریکا در مقاطع زمانی مختلف و به خصوص قرن ۱۹ میلادی است که بر ضرورت گسترش ایالات متحده به سوی غرب قاره آمریکا تاکید داشت. در این رابطه، عبارتی معروف در میان استعمارگران جدید ورود به سرزمین جدید ( آمریکا ) وجود داشته است با این مضمون که سرنوشت محتوم آمریکا که از جانب خداوند تعیین شده است، امتداد از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام است. در این راستا، وظیفه ما نه تنها دستیابی به منابع طبیعی با ارزش بلکه متمدن ساختن این سرزمین زیبا است . بنابراین، تئوری قوم برگزیده پنداشتن خویش و تصور غرب قاره آمریکا به عنوان « سرزمین مقدس » یا « اسرائیل جدید » به ویژه در عقاید مسیحیان مورمون و ماموریت الهی آن ها در متمدن ساختن بومیان وحشی نیز در گسترش ارضی ایالات متحده موثر بوده است ( Dobson 2013: 41 and 58 ).

همزمان با استقلال ایالات متحده، این کشور تلاش های زیادی را جهت گسترش قلمرو خویش به سمت غرب به منظور رفع نیازهای اساسی جمعیت در حال رشد خویش ( مانند سرزمین های وسیع و حاصل خیز برای کشاورزی برای نسل کنونی و آینده ) و با شعار گسترش فرهنگ آمریکایی در این قاره آغاز کرد ( Dobson 2013: 52 ). این کشور در نخستین اقدام، گستره وسیعی به نام لوئیزیانا را در سال ۱۸۰۳ و به دلیل وجود منابع مالی فراوان به دست آورد که موجب ۲ برابر شدن وسعت آمریکا در آن زمان شد و اندکی بعد در سال ۱۸۱۹، منطقه غربی فلوریدا را پس از استقلال از اسپانیا به سرزمین خویش الحاق کرد. در گام بعدی، جنگ با مکزیک را به منظور در اختیار گرفتن منطقه تگزاس در سال ۱۸۴۵ آغاز و توانست با پیروزی در این نبرد، بر این مناطق تسلط یافته و موجب گسترش مذهب پروتستان و رواج برده داری شد. علاوه بر آن، ایالات متحده توانست با خریداری آلاسکا از روسیه در سال ۱۹۵۹ و الحاق هاوایی به سرزمین خود در این سال، نفوذ خویش را در سراسر قاره آمریکا گسترش دهد. تمامی این فتوحات و اقدامات در راستای باور رهبران آمریکا در قرن ۱۸ و ۱۹ پیرامون ماموریت مقدس و الهی آن ها جهت گسترش آزادی و دموکراسی در این منطقه از جهان و مفهوم « شهر بر روی تپه » که بر ضرورت تبدیل آمریکا به ملتی برگزیده و نمونه تاکید می کند، بوده است (Ladenburg 2007: 40).

### نتیجه گیری

در این مقاله، تاثیر مذهب در ابعاد و مراحل مختلف شکل گیری آمریکا مورد بررسی قرار گرفت و نهایتاً فرضیه مقاله تایید شد. اولین مرحله از شکل گیری آمریکا، کشف آمریکا توسط کریستف کلمب بود. انگیزه و روحیه آرمانی و ایدئولوژیک از ابتدای تاسیس آمریکا یعنی کشف این قاره توسط کریستف کلمب و ورود مهاجران اروپایی به این منطقه، موید آن بود که نخستین مهاجران اروپایی به ایالات متحده به دنبال تبدیل آمریکا به مدینه فاضله ای بودند که تنها قوانین الهی بر آن حکومت کند. بر اساس اسناد و شواهد بسیاری، عقاید دینی کریستف کلمب در انجام سفر اکتشافی وی بسیار موثر بوده و با مفهوم جستجوی صهیون در فرهنگ غربی پیوند می خورد. حداقل میتوان گفت بخشی از انگیزه های کلمب از این اکتشاف ها اشاعه نور مسیحیت در جهان بوده و این طور نبوده که تنها در جستجوی ثروت و مال و یا جهانگردی باشد. بررسی های این مقاله، مشخص شد که انگیزه کریستوف کلمب، کاشف قاره آمریکا تا چه اندازه مذهبی بوده است.

در بخش دوم مقاله به بررسی انگیزه های مهاجرین اروپایی از مهاجرت به قاره آمریکا پرداخته شد. در این بخش اشاره شد که یکی از انگیزه های اصلی مهاجران از ترک سرزمین مادری ( انگلستان، هلند و ... ) و تحمل مشقت های بسیار در طی ۳۰۰۰ کیلومتر، انگیزه های مذهبی و کسب آزادی مذهبی بود. در این راستا، کسانی که بیش از همه به دنبال این مهاجرت بودند، پیوریتن ها بودند. پیوریتن ها که گروه اصلی مهاجران به قاره آمریکا بودند، خواستار عبادت خداوند به شکل مورد نظر و مطلوب خویش بوده و قائل به آزادی مذهبی بودند و در انگلستان به عنوان اقلیت و تحت آزار و اذیت قرار می گرفتند. نگاه مذهبی پیوریتن ها در مهاجرت به آمریکا امری روشن تلقی شد. در این راستا با توجه به حمایت پیوریتن ها از یهودیان، یهودیان و به دنبال آن ماسون ها نیز جایگاه ویژه ای در ساخت آمریکا پیدا کردند.

<sup>21</sup> Manifest Destiny

مشخص شد یکی از دلایل تشکیل آمریکا و به دنبال آن، پیوندهای گسترده رهبران آن با یهود و صهیونیسم، باور به ظهور مجدد حضرت عیسی (ع) تحت عنوان هزاره گرایی انجیلی است. بر اساس این باور که بیشتر در میان اوانجلیست ها<sup>۲۲</sup>، مورمنها<sup>۲۳</sup> و آدونتیستها<sup>۲۴</sup> (adventists) و به طور کلی مسیحیان تندرو در ایالات متحده رواج دارد، حضرت مسیح در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و یک جنگ بزرگ به رهبری ضد مسیح (که در این کتاب روسیه و چین نام برده شده است) جهت نابودی آن ها و تصاحب اراضی مقدس آن ها به وقوع خواهد پیوست. در این حال، خداوند به نمایندگی از یهودیان در این امر مداخله کرده و موجب پیروزی آنها و به ارث بردن زمین می شود.

در بخش سوم به موضوع قلع و قمع بومیان به عنوان ساکنین اولیه آمریکا پرداخته شد و اینکه تا چه اندازه قلع و قمع این افراد، با انگیزه های دینی و مذهبی بوده است. بومیان منطقه آمریکا ابتدا توسط کریستوف کلمب استارت زده شد. او بومیان آمریکا را حیوان نامیده بود و شعار یک بومی خوب، یک بومی مرده است را اولین بار مطرح کرد. کلمب، آموزه نژاد پرستان یهودی (برتری قومی) را درباره بومیان آمریکا و کشتار گسترده آن ها اجراء کرد. مستندات موجود نیز حکایت از تعمدی بودن شیوع وبا و سایر بیماری ها در میان سرخ پوست ها با هدف از بین بردن آنها بود و آنچه مهم است که این واقعه به خدا نسبت داده می شود و از این طریق، انگیزه مذهبی مرتکبین این جنایت ها نشان داده می شد. جهت گیری و عقاید فکری استعمارگران موجب شد تا سرخ پوستان آمریکایی با بیماری های همه گیر همچون آنفلوآنزا، نابودی فرهنگ و از دست رفتن خاک روبرو شوند. مهاجران جدید الورد با این باور که دارای تمدن برتر بوده و وظیفه آنها، متقرب و مومن ساختن بومیان است و از آن جا که سنت های غیر قابل تبدیل بومیان در تضاد با اراده الهی مبنی بر استفاده از این سرزمین جهت ایجاد تمدن است، به پاکسازی قومی آن ها اقدام کردند. در واقع، پیوریتن ها با کنعان انگاری آمریکا و ایجاد نگاه مذهبی، موجبات کشتار بومیان این منطقه را فراهم کردند.

مرحله بعدی، مرحله تاسیس ایالات متحده آمریکا بود که البته به نحوی با بحث مهاجرت اروپائیان به آمریکا مرتبط است. در این بخش نیز مشخص گردید که نخستین اقدام استعمارگران پس از مهاجرت به سرزمین جدید با هدف پشتیبانی از یهود، سنت وحشت آفرینی برگرفته از تورات بود. علاوه بر آن، بسیاری از آموزه های دین یهود بود که روح آمریکا را شکل داد تا جایی که آمریکا را به سمت یهودی شدن سوق داد و ساکنان جدید این سرزمین هم این مرام را پذیرفته و این گونه بود که آرزوی کلمب مبنی بر سرزمین خوب و ماوای امنی برای یهودیان محقق شد. این مسئله از این بابت مهم است که تاثیر یهود و انگیزه های مذهبی یهودیان را در تاسیس ایالات متحده آمریکا نشان داد.

بنابراین، مسیحیتی که همراه با مهاجران اولیه به آمریکا انتقال یافت، مسیحیت پیوریتنی یا به عبارتی مسیحیت یهودی بود و همین عقیده بود که موجب گسترش باور الزام بازگشت یهود به فلسطین و تخریب بیت المقدس با هدف ظهور مجدد حضرت عیسی (ع) در میان پیوریتن های مهاجر در آغاز قرن هیجدهم شد. پروتستان های انگلیسی به نوعی در تاسیس آمریکا، نگاه های نژاد گرایانه خود را نیز وارد کردند. نژاد گرایی نوظهوری که در سرزمین جدید به منصف ظهور رسیده بود، از نوع انگلو - ساکسون (انگلیسی و آمریکایی) بود و مطابق با آن، انگلیسی زبانان از دیگر ملت ها برتر بوده و همین نگاه باعث سیطره فرهنگ امپریالیسم شد.

در ادامه به جنگ استقلال در آمریکا و روند جدا شدن این کشور از بریتانیا نیز پرداخته شد و مشخص شد که در این دوره نیز انگیزه های مذهبی تا چه اندازه دخالت داشته است. زعمای سیاسی آمریکا بر این باور بودند که جنگ استقلال نبردی میان نیروهای خیر و شر، بهشت در برابر دوزخ، حقیقت در مقابل دروغ و مظلوم در برابر ظالم است و انگلستان را در این نبرد با ضد مسیح (دجال) یکسان می دانستند در حالی که آمریکایی ها، لشکر قدیسان و رستگاران توصیف می شدند. جنگ استقلال آمریکا یا همان جنگ های استقلال به رهبری سرمایه داران فراماسونر - لیبرال آمریکایی مورد حمایت آئین پیوریتن بود. فرمانداران ۱۱ ایالت خارج شده از آمریکا نیز علت اولیه اتخاذ این تصمیم را دین و اخلاق اعلام کردند. باورهای مذهبی در پیشبرد جنگ انفصال که در حقیقت جنگی خانمان برانداز بود، موثر بود و نوشته ها و سخنان فرماندهان در طی جنگ انفصال، موید نگاه مذهبی بود.

<sup>۲۲</sup> مسیحیت انجیلی یا اوانجلیسم شاخه ای از پروتستانتیسم است که نخستین بار در بریتانیا در دهه ۱۷۳۰ پایه گذاری شد و در آمریکا طی متدیسم و بیداری بزرگ در سده های ۱۸ و ۱۹ محبوبیت یافت.

<sup>۲۳</sup> مورمون ها شاخه ای از جنبش مسیحیت احیاگر هستند که جوزف اسمیت در ایالت نیو یورک در دهه ۱۸۲۰ پایه گذاری کرد.

<sup>۲۴</sup> آدونتیسم شاخه ای از پروتستانتیسم است که معتقد به ظهور دوم عیسی مسیح است. ویلیام میلر این جنبش را در دهه ۱۸۳۰ شروع کرد.

در بررسی نهایی، به نقش مذهب در دوره مانیفست و توسعه طلبی در قاره آمریکا نیز پرداخته شد و روشن گردید که در دوره نیز نقش و تاثیر مذهب به خوبی قابل شناسایی است. در واقع تاثیر یهودی گری نشأت گرفته از تورات بر روح آمریکا در لباس امپریالیسم ظهور کرد.

## منابع و مراجع

- آقازاده، سعید، ۱۳۸۹؛ طولانی ترین نسل کشی تاریخ بواسطه آمریکایی ها اتفاق افتاد، ۱۳۸۹/۰۷/۲۲، قابل دسترسی به آدرس . /article.tebyan.net/۱۴۰۲۲۹ / طولانی-ترین-نسل-کشی-آمریکایی-ها.
- اکتار، عدنان، ۱۳۸۷، ترجمه صاحب خلق، نصیر؛ تاریخ ناگفته و پنهان آمریکا، تهران: هلال.
- العکش، منیر، ۱۳۸۶، ترجمه خامه یار، حسن؛ نسل کشی سرخ پوستان آمریکا یا حق قربانی کردن دیگران، چاپ دوم، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج.
- زرشناس، شهریار، ۱۳۸۱؛ نیمه پنهان آمریکا، تهران: کتاب صبح.
- دلنو، سی. وست، ۱۹۸۹، نظرات قرون وسطایی از رسالت آخرالزمان و اولین فرانسوی ها در مکزیک، قاره ی آمریکا، جلد ۴۵، شماره ۳، ژانویه ی ۱۹۸۹.
- شهبازی، عبدالله، ۱۳۷۷؛ زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، جلد دوم.
- شعبان، فؤاد، ۱۳۹۰، ترجمه فرحزادی، یاسر؛ به خاطر صهیون ( سنت یهودی - مسیحی در فرهنگ آمریکایی)، چاپ اول، تهران: ساقی.
- لفورکی، ب. ( ۱۳۸۶، ۱۵ اردیبهشت ). آمریکا در دوگانگی دین و سیاست. مجله پگاه حوزه، شماره ۲۰۶.
- هلال، رضا، ۱۳۸۶، ترجمه جنتی، علی؛ مسیحیت صهیونیست و بنیادگرایی آمریکا، چاپ دوم، قم: نشر ادیان.
- Burner, david; Genovese, D.Eugene; McDonald, Forrest.1980; The American People, New York: Revisionary Press.
- Dobson, Darren, 2013; Manifest Destiny and the Environmental impacts of westward expansion, FJHP, volume 29, page 42.
- Guelzo, Allen, 2015; Did Religion Make the American Civil War Worse, 23 August 2015, to be reached at : <https://www.theatlantic.com/politics/archive/2015/08/did-religion-make-the-american-civil-war-worse/401633/>
- Judis, John B, 2005; The influence of religion on U.S foreign policy, Washington DC : Carnegie Endowment for International Peace.
- Ladenburg, Thomas ,2007; America's Manifest Destiny, chapter8, page 40).
- Magee, Malcolm, 2018; Us foreign policy and religion, USA: Oxford University Press, 5 September 2018, to be reached at: <http://religion.oxfordre.com/view/10.1093/acrefore/9780199340378.001.0001/acrefore-9780199340378-e-409?print=pdf>
- Morison, Samuel Eliot.1942; Admiral of the Ocean Sea: A Life of Christopher Columbus, Masachus: Read Books.
- New England Colonies, to be reached at <https://www.cliffsnotes.com/study-guides/history/us-history-i/seventeenth-century-colonial-settlements/new-england-colonies>

- Rable, C.George,2011; Religion in the Civil War, Tuscaloosa: University of Alabama, to be reached at: <http://www.essentialcivilwarcurriculum.com/assets/files/pdf/ECWCTOPICReligionEssay.pdf>

- Religion in the Original colonies , 2009 , to be reached at [www.undergod.procon.org/view.resource](http://www.undergod.procon.org/view.resource) , 1/6/2009.

- Salom magazine, 9/3/1988.

- Turner, L.Leddy, 2017; Religious Factors of the Civil War, 29 September 2017, to be reached at: <https://classroom.synonym.com/religious-factors-of-the-civil-war-12087212.html>

- Weinberg, Albert K, 1963; Manifest Destiny: A Study of Nationalist Expansion in America History, USA: Johns Hopkins Press.

- Winthrop, Hudson, 2003; Religion in America, USA: Routledge, 15 April 2003 ).

- Weinberg, Albert K, 1963; Manifest Destiny: A Study of Nationalist Expansion in America History, USA: Johns Hopkins Press ).

- Yahya, Harun, 2003; Global Freemasonry: The Masonic Philosophy Unveiled and Refuted, Ankara, IQRA AGENCIES, 15 November 2003.

